

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دکتر وفیق ابراهیم استاد دانشگاه لبنان
برگردان از: احمد مزارعی
۲۴ جون ۲۰۱۹

خطاهای ستراتیژیک امریکا در جنگ علیه ایران



هر روز که می گذرد امریکائیا به حجم بزرگ خطاهای خود که بر اساس آنها برای خفه کردن ایران بنا کرده بودند، پی می برند.

آنها بر این اعتقاد بودند که جنگ اقتصادی آنها علیه ایران همراه با تحریکات محدود نظامی و متراکم کردن تعدادی از ناوهای جنگی و ستراتیژیک خود در ابحار کافی است که به انفجار ایران منجر شود.

اما آنها با مجموعه ای از شگفتیهای پیش بینی نشده روبه روشدند که در عناوین بزرگ زیر خلاصه می شود:

یکم، قدرت ایران در تعامل با سخت ترین شرایط و تدابیر فشارهای اقتصادی در تاریخ معاصر، دوم، آمادگی گسترده نظامی ایرانی آماده نبرد در جبهه های دراز مدت با آمادگی برای حمایت از میهن و دولت هردو با هم، با آگاهی برای این که ایرانیا می دانند که امریکا بزرگترین قدرت جهانی در عصر کنونی است که هم از بعد نظامی و اقتصادی و هم این که تسلط ژئوپولتیک بر سه چهارم از جهان را دارا می باشد، اما، ایرانیا این را نیز بخوبی می دانند و تجربه اش موجود است که کشورهای ویتنام، افغانستان، عراق، سوریه، ونزوئلا و کوبا در برابر هیمنه امریکا سرسختانه ایستادند و پیروز شدند. با این وصف چرا ایران نمی تواند همچون یکی از این کشورها باشد، ایرانی که هم اکنون و از سال

۱۹۸۰، در برابر همه فشارهای امریکا که بدون لحظه ای درنگ کوشیده است کشورشان را منهدم کند، ایستادگی کرده اند.

اما مورد سوم که به مثابه ضربه خرد کننده ای بفرق وارمان امریکائیه می باشد، همانا امادگی همپیمانان منطقه ئی ایران است که در صورت هر گونه تعرضی علیه ایران، درکنار آن با امریکا وارد جنگ می شوند و همگی آنها این امادگی خود را از هم اکنون اعلام نموده اند.

چهارم و در ادامه آن، درین بست قرار گرفتن امریکائیه در یک گوشه تنگ که به موجب آن، آنها نمی توانند گاو شیرده عربستانی خود را از بمباران هواپیماها و راکت های یمنی که به طور روزانه مراکز انتقال نفت عربستان را بمباران کرده و انتقال نفت مصرفی کشورهای غربی مصرف کننده نفت را هدف قرار می دهند، نجات دهند.

اینچنین به نظر می رسد که هم اکنون صدور نفت عربستان به دنیای خارج و به کشورهای صنعتی، در دایره سیطره یمن قرار دارد و بندر مهم صادراتی عربستان «ینبع» درکنار بحیره سرخ، که مرکز اصلی صدور نفت عربستان به سوی کانال سوئز و یا به عکس آن به سوی باب المندب و از آنجا بسوی اقیانوس هند و کشورهای صنعتی حرکت می کند در تیررس راکت ها و هواپیماهای یمنی قرار دارد.

قابل ذکر است که از سال ۱۹۴۵، و بر طبق قرارداد «کوینسی» که میان امریکا و عربستان به امضاء رسیده است، به موجب این قرارداد امریکا متعهد شده است که در مقابل تسلط بر نفت عربستان از این کشور، اقتصاد و از مذهب و حاکمانش حمایت کند. از آن تاریخ تاکنون عربستان مورد هیچ گونه تهاجم و تعرضی قرار نگرفته است.

از این نظر، این اولین باری است که انصار الله یمن موفق می شود به مناطقی در عربستان نفوذ کرده و امریکائیه در برابر آن سکوت کرده اند و این که اولین بار است که مراکز اقتصادی و نظامی درون عربستان مورد هدف قرار می گیرد که غرب برای نجات آن کوششی نمی کند و یا نمی تواند.

امریکائیه برایین باور بودند که منهدم شدن ایران به طور مستقیم منجر به سقوط عراق، سوریه، لبنان، یمن و... خواهد شد، اما، در ادامه حوادثی دیگر پیش آمد که باعث وارد شدن ضربه های جانکاهی به حیثیت امریکائیه شد، شروع این حوادث با حمله به چند نفتکش در نزدیکی فجیره، سقوط چند راکت در نزدیکی سفارت امریکا در عراق، منفجر شدن دو نفتکش درست در نزدیکی تنگه هرمز میان ایران و خلیج عمان و آخرین آن سقوط مدرنترین هواپیمای بدون خلبان امریکائی در مرز بحری ایران بود.

در ادامه امریکائیه کشف کردند که کوشش در جهت خفه کردن اقتصادی ایران به آنجا منجر نشد که بر طبق سناریوی از پیش ساخته شده آنها، ایرانیه ذلیلانه، و با اکراه تن به مذاکره با امریکا بدهند، این وضعیت نه فقط ایران را به عقب نشینی نکشانید بلکه آنها در مقاومت خود به اصرار بیشتری دست زدند تا آنجا که توانستند نه تنها محاصره اقتصادی را در هم شکسته بلکه این قدرت را یافتند تا در برابر تکنولوژی امریکا، تکنولوژی برتر و متعادل خود را وارد میدانهای نبرد کنند. با قرار گرفتن سایر هم پیمانان منطقه ئی درکنار ایران باعث شدند تا یک انجماد در حرکت نظامی منطقه ئی امریکا و تا مرحله ای نامعلوم ایجاد شود.

البته این به آن معنی نیست که امریکا دارای بنیه ضعیفی است بلکه این وضعیت باعث یک ارزیابی مجدد از حوادث ناگهانی برای آنها می شود که پیش از این به حساب نیاورده بودند.

حوادث فوق باعث می شود که امریکائیه به شیوه هائی تازه برای فشار بر ایران دست بزنند، آنها کوشش خواهند کرد بر محاصره اقتصادی ایران بیفزایند و همچنین در آبهای خلیج فارس دست به ماجراجوییهای تازه ای زده به این امید که

بتوانند اعتبار شکست خورده خود در منطقه، در برابر اسرائیل و همچنین هم پیمانان منطقه ئی ، عربستان، امارات و بحرین ، ترمیم کنند.

اعتقاد بر این است که امریکائیا می کوشند قبل از انعقاد کنفرانس «معامله قرن» در بحرین به عملیاتی منطقه ئی دست بزنند تا اعتباری معنوی به دست بیاورند ، آیا ممکن است در جایی به بمبارانی «بدون ضرر و زیان فراوان» دست بزنند و یا به یک تجاوز اسرائیل در سوریه پوشش بدهند، اما آنچنان که از اطلاعات کشورهای غربی برآورد می شود این است که عربستان در نظر دارد ضربه سنگینی به انصارالله در منطقه «صعده» وارد کند (صعده از شهرهای مرکزی یمن وکنام حوثیها می باشد) شایعات در اینمورد فراوان است اما آنچه امریکائیا را در اینگونه موارد محتاط و دست به عصا می کند اینست که هر تجاوز امریکا به ایران، سوریه، یمن و لبنان باعث جنگی منطقه ئی خواهد شد که عراق را هم (به ویژه حشد الشعبی بازوی قدرتمند زحمتکشان عراق) وارد معرکه خواهد کرد. در اینجا است که این معما پنهان است ؟ چگونه امریکائیا می تواند به یک بمباران محدود دست بزنند بدون این که عواقب منطقه ئی نداشته باشد؟

روز گذشته روسها نیز به نوبه خود به امریکائیا هشدار داد و تأکید کردند که در هر لحظه که تجاوزی به یکی از اعضای محور مقاومت از ایران گرفته تا لبنان انجام گیرد، باعث خواهد شد تا آتش نشان منطقه منفجر گردد، امری که باعث شده تا گزینه های مقابل پنتاگون امریکا و کاخ سفید در تنگنا قرار بگیرد. در صورت چنین اتفاقی ایران نیز فرصت پیدا می کند تا علیه وضعیت موجود و فشارهای اقتصادی علیه خودش به تدریج دست زده و در کنار خیزش منطقه ئی قرار گیرد تا از سیادت ملی خود دفاع کند، با در نظر گرفتن این اظهار دونالد ترامپ که در نظر دارد به عملیات محدودی دست بزند ، اما اوضاع به گونه است که هر حرکت حساب نشده ای منجر به جنگی منطقه ئی خواهد شد که موجب شکست انتخاباتی ترامپ نیز در سال ۲۰۲۰ خواهد شد.

در اینجا ما با یک درگیری میان ستراتیژی ایران که در داخل خود و منطقه عمل می کند، قرار داریم و در سوی دیگر امریکا و ترامپ که بر تحریم ایران اصرار دارد و هم این که به خاطر مشکلات اقتصادی و منفعت طلبی و نیاز های سیاسی منطقه ئی ، به یک درگیری محدود منطقه ئی نیاز دارد.

در این میان منطقی ترین احتمال چیست؟

ایران می کوشد در میدان سیاسی تاریخی خود که خاورمیانه می باشد، اجرای نقش کند و در عین حال از نیروی قدرتمند و منع کننده دو کشور روسیه و چین در جهت محدود کردن نقش امریکا که می خواهد سیاست تک قطبی و تسلط جهانی خود را اعمال کند، استفاده کند . زیرا این سیاست به نفع جامعه جهانی نیست. مقاومت و پیروزی ایران بر این قدرت جهانی و شکستن این محاصره مرحله مهمی از منروی کردن امریکا و پس زدن وی در جهت کم کردن جنگ و درگیریهای جهانی است.(۱)

زیر نویس از مترجم : (۱) این که روسیه بسیار فعالانه و همچنین چین از ایران حمایت می کنند و حتی اعلام نموده اند که از منافع نفتی و مالی ایران نیز حمایت می کنند ، بسیار مهم و تأثیر گذار بوده و در جهت شکستن یکه تازی امریکا در عرصه جهانی است ، زیرا این دو کشور نیز همچون ایران از سیاستهای شوم امریکا زیان می بینند و به نظر می رسد که با وجود محور مقاومت منطقه شامل ایران، سوریه، عراق ، یمن، لبنان و فلسطین همراه با روسیه و چین می تواند فردای امید بخشی برای بشریت رقم بزند.

۲۲ جون ۲۰۱۹